آموزش علم جفر
روش پانزده سطري

(جلد دوّم)

شرح کاملِ اسرار استخراج مستحصله جفر

نوشته : استاد رهنما، بنیان
گذارمکتب علوم دروني
(تا یما) در ایران و جهان

((اخطار شرعی))

هر گونه کپی، چاپ و تکثیر از روی مطالب این کتاب با هر روش و به هر منظوری شرعاً حرام است.

S

سخن آغـازیـن

با نام و ياد خالق هستي بخش آغاز مي كنيم جلد دوّم از آموزش علم جفر (روش پانزده سطري) را و اميدوارم خداي متعال ما و شما را در فهم كامل اسرار اين علم موفق بدارد؛ انشاء الله.

در جلد اوّل اين كتاب ما شما را با شَماي كُلّي روش پانزده سطري آشنا كرده و مثالي هم برايتان آورديم و شما را توصيه كرديم‌كه سعي كنيدپاسخ‌آن سؤال را استخراج‌كنيد.همچنين درآن كتاب به تمام مباحث بصورت كلّي پرداختيم تا ذهن شما ازنظرساختاري ونحوه عمل بااين‌روش خو بگيرد. حال در اين كتاب تمام اسرار مربوط به استخراج مستحصله جفر را فاش كرده و موفقيت شما را از درگاه خداي متعال طلب مي كنيم.

بايد بدانيدكه مهمترين نكته درتمام روشهاي جفر، استخراج مستحصله آن است.بقيه مسائل معمولاً از قواعد رياضي پيروي مي كنند، بهمين دليل مي توان آنها را از پيش ساخت و در موقع لزوم به كار برد. (مثلاً طرح سؤال و جمع بستن حروف و اخذ مداخل و اموري مانند اينها را حتي مي توان تبديل به برنامه كامپيوتري نمود و در يك لحظه محاسبه نمود) اما مستحصله چون الهامي است به هيچ وجه نمي توان پيشاپيش براي آن برنامه ريزي كرد.امّا ما با تلاش و كوشش شبانه روزي توانستيم به فرمولهايي دست يابيم كه استخراج حروف مستحصله را آسان تر كند.اين فرمولها بسيار ارزشمند بوده وتاكنون در هيچ كتابي كسي به آنها حتي اشاره هم نكرده است. حال شما تمام اين كشفيات را در قالب يك كتاب در يافت مي كنيد.پس مثل جانتان از مطالب اين كتاب محافظت كنيد. بخدا قسم افراد زيادي جانشان را براي فهميدن اين مسائل فدا كرده و به هيچ نتيجه اي هم نرسيدند.حال اين شما و اين هم مطالب ارزشمند اين كتاب. مخلص شما ، رهنما

توضيحات مقدماتي

قبل از اينكه بنده تمام نكات ريز اين روش از پانزده سطري را در رابطه با استخراج مستحصله براي شما بيان كنم،لازم مي دانم نكته مهمي را يادآور شوم.اين مطلب مهم به داشتن شناخت حقيقي از جفر مربوط مي شود.هرچندكه درجلد اوّل اين كتاب در اينباره مقداري توضيح داديم، امّا چون اين كتاب پايان كار شما در اين روش مي باشد، لذا لازم مي دانم كه تمام مطلب را در اين باره بيان كنم تا هيچ نكته مبهمي باقي نماند.جفرماهيتي دو گانه دارد، براي كسي كه بي طرفانه اين علم را دنبال كرده و قلب خود را براي فهم حقايق اين علم باز نگه داشته ، هيچ نكته اي نيست كه دريافتش سخت باشد. اما كسي كه با فرضيات خود اين علم را دنبال كرده و نسبت به دانسته هاي خود تعصب مي ورزدفهم آن را بسيار سخت خواهد يافت.

اگرما بنارا براين مي گذاريم كه جفريك علم است،بنابراين بايد ساختاري داشته و هدف وكار كرد هاي آنهم مشخص باشد.زيرا وقتي صحبت از علم مي شود خود اين كلمه دلالت بريك امرواضح و مشخصي دارد.زيرا علم در مقابل جهل است.اما اگرما بخواهيم براي جفر يك حالت رويايي و عرفاني غير قابل دسترسي براي عموم قائل شويم(البته درداينجا مسئله نصيب داشتن از اين علم موضوع ديگري است كه به بحث فعلي ما مربوط نمي شود)در اين صورت خود ما از قبل تصريح كرده ايم كه اين علم نيست و يك تجربه خاص عرفاني بوده و فقط مي تواند در اختيار اشخاص خاصي قرار بگيرد.

خوشبختانه جفري كه بنده آموزش مي دهم صد در صد علمي و كاربردي بوده و براي اكثر مردم قابل فهم واستفاده است.حال كه چنين است پس لازم است كه با اين موضوع بيشترآشنا شويم.

از آنجايي كه بحث اين كتاب بطور خاص به موضوع مستحصله مربوط مي شود، لذا بنده هم سعي مي كنم بيشتر به اين مطلب بپردازم. بنابراين مطلب خود را ابتدا از شناخت مستحصله آغاز مي كنيم.

مستحصله چيست ؟

اين سؤال را مي توان از دو جهت مطرح كرد، 1- معناي مستحصله چيست؟ 2- ماهيت مستحصله چه چيزي است ؟

معناي كلمه مستحصله

كلمه « مستحصله » يك واژه عربي بوده و به معني چيزي است كه حاصل شده و به دست آمده است.

ماهيت مستحصله

و امّا از نظرماهيت،مستحصله در تمام روشهاي جفر سُنتي آخرين مرحله استخراج پاسخ سؤالات در جفر است.شما سؤالي مطرح مي كنيد و براي استخراج پاسخ ، جَفّار عملياتي روي حروف سؤال انجام داده و آنها را مبدل به حرف ديگري مي كند كه به آن « مستحصله » گفته مي شود. در اكثر روشها ، حروف مستحصله بايد تبديل به نظيره خود گشته و با روش صدر و مؤخركنار هم قرار گيرندتاپاسخ،قابل دريافت و خواندن شود.

به زبان خيلي ساده، مستحصله يعني حرفي كه حاوي جواب است.هر يك از حروف سؤال مي تواند 28 مستحصله داشته باشد. مثلاً اگر ما سؤالي طرح كنيم به اين شكل كه : خدا كيست ؟ سپس حروف آن را از هم باز كنيم به اينصورت : خ د ا ك ي س ت ؟آنگاه مي توانيم زير هر يك از حروف سوال 27 تا حرف بعد از آن را براساس دايره

ابجد قرار دهيم و حرف بيست و هشتم هم خود حرف سؤال است. حال يكي از اين حروف حرف جواب است، اما كدام حرف؟ همين سؤال ساده است كه انسان را تا مرز جنون مي برد.زيرا هيچ فرمول رياضي و محاسبه اي وجود نداردكه بتوان بطورصددرصدوقاطعانه از آن براي رسيدن به جواب استفاده كرد. بلكه استخراج حروف مستحصله در جفر بر اساس نوعي تيز هوشي (الهام) و همچنين با كمك گرفتن از يك سري محاسبات رياضي مي باشد و اين اعمال هم هرگز ثابت نيستند.يعنياگردريك سؤالي مستحصله حرف « الف » حرف « س » باشد ممكن است در سؤال ديگر خود « الف » مستحصله بشود و يا يك حرف ديگر.

تمام اعمال جفر، بغيراز استخراج حروف مستحصله را مي توان به صورت برنامه هاي كامپيوتري در آورد تا كار با سرعت بيشتري انجام بگيرد. زيرا كه اينها همه فرمول داشته و فرمول آنها هم همواره ثابت است. مثلاً دردايره ابجد، نظيره حرف « الف » هميشه « س » است. اما در مستحصله هرگز نمي توان از قبل پيش بيني كرد كه مستحصله فلان حرف كدام است؟ اگر اينگونه بود هم فايده اي نداشت؛زيرا جواب تمام سؤالها تكراري مي شد. مثلاً اگر فرمول اين بود كه همواره حرف الفي كه اوّل حروف سؤال مي آيد تبديل به حرف « ش » بشود.بنابراين شما همواره با جوابهاي تكراري روبرو مي شديد كه هيچ ارتباطي هم با سؤال نداشت. اين وضعيت كاملاً شبيه به فال گرفتن مي شد.شما در باره ازدواج نيت مي كنيد و فال به شما مي گويد: سفر كنيد خوب است. اين بخاطر آن است كه جواب نيتها در فال از قبل آماده شده است.

روش استخراج حروف مستحصله در جفر هميشه از عامه مردم مخفي نگه داشته شده و جزو اسرار اين علم است.بهمين دليل اكثريت مردم در باره ماهيت آن اطلاعات درستي ندارند ودرست بهمين خاطر برداشتي كه ازآن دارند كاملاً غلط بوده وكساني كه به دنبال جفر هستندآن را اشتباهي جست و جو مي كنندو بهمين دليل،وقتي كه به مستحصله

جفر مي رسند چون در باره آن شناخت كافي ندارند يا آگاهي هاي غلطي به آنها داده شده (مثل اينكه،جفرداراي يك فرمول مخفي رياضي است) دراين مرحله به مشكل برخورده ودرفهم و درك و چگونگي استخراج حروف مستحصله چنان عاجز مي مانند كه از مستحصله به « مستأصله » (از درماندگي مي آيد) تعبيرمي كنند. در حالي كه اگر از مكانيسم عمل به درستي خبر داشتند، در عين حالي كه بازهم آن را سخت مي يافتند اما حداقل از چگونگي آن آگاه شده و از راه و روش درستي آن را دنبال مي كردندودر نهايت به اندازه تلاش وكوششيكه به خرج مي دادند به نتيجه هم مي رسيدند؛ همانطور كه دوستانيكه هم اكنون با بنده كار مي كنند به نتايج خيلي خوبي در اين زمينه رسيده و مي رسند.

در طي چندين سالي كه بنده به صورت آشكار به معرفي وآموزش علم جفر اقدام كرده ام، هيچ چيزي به اندازه عدم درك و شناخت درست اكثريت مراجعينم از اين علم مرا را آزار نداده است. اگر بگويم از هرصدنفريكه با بنده دررابطه با آموزش جفرتماس مي گيرند بيشترازهشتاد نفرآنها داراي شناخت غلطي دراين رابطه هستند اغراق نكرده ام. اين شناخت غلط در درجه اوّل و بيشتر از هر كسي ،خود آنها را آزار مي دهد.زيرا وقتي ما در بيابان بدون آب به دنبال چشمه آب بگرديم خودمان را آزار مي دهيم. درباره جفرهم همينطوراست و بدترازآن اين است كه فردروي شناخت غلط خود تعصب هم داشته باشد. اين تعصب باعث مي شود تا چشمان وي براي ديدن حقيقت بسته شود. تعصب باعث مي شود تا گوشهاي ما بسته شده و ما حرف حق را نشنويم.و بالاخره اينكه،تعصب ما را ازشاهراه حقيقت دور مي كند. من در اين كتاب،تمام حقايق درباره مستحصله واستخراج حروف جواب درعلم جفر را براي شما فاش مي سازم تا شما، زجري را

که بنده کشيدم وخيلي هاي ديگرهم، درحال حاضرآن را متحمل ميشوند، تحمل نکنيد وازبهترين‌وساده ترين وآسان ترين و سريع ترين راه به مقصد برسيد؛ البته اگر خدا بخواهد، که انشاء الله اينگونه هم خواهد شد. پس اجازه بدهيد مطلب را از جايي آغازکنيم که نقطه شروع است.

نکته : مطالبي که ازاين به بعد مطالعه خواهيد نمودحقانيت و درستي شان درطول سالهاي‌متوالي براي بنده به اثبات رسيده ، اما در عين‌حال هرگز اصرار ندارم که شما هم بلافاصله آنها را بپذيريد. بلکه برعکس اوّلاً خيلي خوشحال مي شوم که اگر کسي عقيده اي متقن و محکم و برخلاف گفته هاي ما دارد با بنده تماس گرفته وآن را بيان کند. ثانياً ، شما را توصيه به اين مي کنم که در اين باره تحقيق و مطالعه نمائيد و عمداً سعي کنيد چيزي برخلاف نظريات حقير بيابيد. آخر سر مشخص مي شود که آيا اين مطالب صحيح است يا خير؟ اگر صحيح بود، آن را مي پذيريد و اگر نبود،حقيقت را يافته ايد و به ما هم بياموزيد. پس در اينجا هيچ تعصبي روي درست بودن مطالب وجود ندارد. اما براي شخص من درستي آنها اثبات شده،زيرا براساس همين نظريات است که از جفر سؤال کرده و جواب استخراج مي کنم. اگر اين نظريات درست نبودند که ما هرگز نمي توانستيم به حقيقت رسيده و الآن اين مطالب را در باره مستحصله جفر براي شما بنويسيم. حال به ادامه مطلب توجه کنيد.

جواب هر سؤالي پيش از طرح آن خلق شده است

تمام مطلبي که بنده مي خواهم براي شما شرح بدهم ، همين جمله اي است که عنوان اين صفحه را تشکيل مي دهد. البته مي دانم که همين الآن ذهن باهوش خيلي ها متوجه بحثهاي جبر و اختيار شده و بلافاصله از خودشان مي پرسندکه : اگر پاسخ سؤالي از قبل آماده است، يعني ما در انجام هيچ کاري از خود اختياري نداريم. پس اگر اين مطلب درست باشد ، ديگر عذاب و ثواب معني ندارد.

اگر اين كتاب يك كتاب فلسفي بود ، بنده با كمال ميل حاضر بودم صدها صفحه در باره مسئله جبر و اختيار براي شما مطلب بنويسم و به لطف خدا در اين زمينه به اندازه خود توانا هستم. اما چون موضوع ما مستحصله جفر است، بهمين دليل ترجيح مي دهم به بحث خودمان ادامه دهيم.

در كتاب قبلي در باره صفحات جفر جامع توضيح داديم و گفتيم كه اگردرخانه هاي كتاب جفرجامع به جاي **4** حرف، هزاران حرف باشد،(يعني درهر خانه به جاي چهار حرف مثلاً « ا ا ا ا » هزاران الف باشد). بعد از اينكه خانه هاي بي معني را تصفيه كنيم، بازميليونها خانه باقي مي ماندكه درآنها جملاتي معني دار وجودخواهد داشت و اين جملات ، پاسخ سؤالهايي خواهد بود كه قرار است صدها،هزارها و يا ميليونها سال بعد توسط جفاران طرح شود. پس درايـنكتاب ،تمام سؤالاتي كه از اول پيدايش انسانها تا رو قيامت مطرح شده وخواهدشد، بهمراه جواب آنها وجود خواهدداشت . **سؤالاتيكهپاسخآنها از قبل معلوم و مشخصاست.** پس پيامبرخاتم (ص) بايد نام مباركش « محمد » باشد؛ زيرا در اين كتاب و در مقابل سوال : پيامبرخاتم چه كسي است ؟ نامي بجز « محمد » نوشته نشده است . پس هم اكنون تمام اتفاقات بقيه عمر ما در اين كتاب با وضوح تمام و به دقت نوشته شده و ما راهي را طي مي كنيم كه قرار است برويم. اگر غيراز اين بود، سؤال و جواب در جفر امكان پذير نبود. زيرا اگر قرار باشد امور درحال تغيير باشد ، در اين صورت چگونه مي توان در باره آن سوال كرد. اين تئوري را مي توانيد با تك تك آيات قرآن در باره مقدرات الهي مطابقت دهيد. مثلاً قرآن مجيد مي فرمايد : مرگ هركسي مقدر شده و اجل هيچ كسي ثانيه اي به تقديم و تاخر نخواهد افتاد. معني اين جمله چه مي تواند باشد؟

به بـيـان ديـگـر، وقـتـي مـا سـوال مـي كـنـيـم كـه آيـا فـلانـي نـصـيب از هـمـسـر دارد يـا خـيـر؟ اگـر جـواب ايـن سـؤال مـتـغـيـر بـاشـد ، يـعـنـي الان جـواب چـيـزي بـاشـد و سـاعـتـي بـعـد چـيـز ديـگـر ، آيـا اصـلاً ايـن عـلـم اعـتـبـاري دارد ؟ در ايـن صـورت سـؤال و جـواب از جـفـر چـه فـايـده اي خـواهـد داشـت؟ چـه اعـتـمـادي مـي تـوان بـه آنـهـا كـرد؟ ايـن نـكـتـه بـود كـه بـنـده را بـه ايـن مـوضـوع رهـنـمـا شـد كـه ، وقـتـي سـؤالـي طـرح مـي كـنـيـم، جـواب آن از قـبـل حـاضـر اسـت و ايـن جـواب در جـايـي بـي حـركـت مـوجـود و مـنـتـظـر اسـت ،حـال اگـر مـا بـتـوانـيـم بـه وسـيـلـه اي خـود را بـه مـحـل سـكـونـت جـواب بـرسـانـيـم مـي تـوانـيـم از آن آگـاه شـويـم. ايـن مـسـئـلـه را مـي تـوان بـه گـونـه ديـگـري نـيـز اثـبـات كـردوآن قـضـيـه وضـعـيـت مـا دريـك روز خـاص ازيـك سـال مـشـخـص ودرمـاه و هـفـتـه اي مـعـيـن هـمـراه بـا سـاعـتـي تـعـيـيـن شـده از شـبـانـه روز اسـت .

بـعـنـوان مـثـال،شـمـاپـنـج سـال پـيـش ،در چـنـيـن روز و سـاعـتـي در كـجـا بـوده و چـه مـي كـرديـد؟ آيـا بـغـيـر ايـن اسـت كـه جـواب شـمـا بـه يـك وضـعـيـت خـاص مـحـدود مـي شـود؟ بـه بـيـان ديـگـر، شـمـا در آن روز و سـاعـات مـشـخـص نـمـي تـوانـسـتـيـدهـمـزمـان درچـنـد جـا بـاشـيـد. پـنـج سـال بـعـد چـطـور؟ شـمـا پـنـج سـال بـعـددر يـك چـنـيـن روز و سـاعـتـي دركـجـا بـوده وچـه خـواهـيـدكـرد؟آيـا بـجـزايـن اسـت كـه در آن روز هـم شـمـا در يـك جـاي خـاص خـواهـيـد بـود. حـتـياگـرشـمـادرآن روز و سـاعـت سـوار يـك وسـيـلـه نـقـلـيـه هـم كـه بـاشـيـد، بـاز هـم در يـك دقـيـقـه و ثـانـيـه مـشـخـص نـمـي تـوانـيـد بـيـشـترازيـكـجـا بـاشـيـد.پـس نـتـيـجـه مـي گـيـريـم كـه پـاسـخ هـر سـؤالـي حـتـي قـبـل از ايـنـكـه آن سـؤال مـطـرح شـود وجـود دارد.دانـسـتـن ايـن مـسـئـلـه بـاعـث مـي شـود رونـداسـتـخـراج جـواب و هـمـچـنـيـن سـاخـتـارآنـهـا نـيـزيـك سـيـر مـنـطـقـي را طـي كـنـد. اگـر جـوابـهـا در جـفـر از قـبـل وجـود نـداشـتـه و ثـابـت نـبـود، در ايـن صـورت اگـر چـنـدجـفـار هـمـزمـان بـا هـم در بـاره گـذشـتـه فـردي سؤال مـي كـردنـد بـايـد بـه جـوابـهـاي مـتـفـاوتـي مـي رسـيـدنـد كـه مـمـكـن بـود يـكـي از آنـهـا حـقـيـقـت داشـتـه بـاشـد يـا هـيـچ كـدام، درايـن صـورت آن پـاسـخـهـا هـيـچ ارزشـي نـداشـتـنـد؛زيـرا شـمـا در جـفـرسـؤال مـي كـنـيـدكـه

پاسخ حقيقي دريافت كنيد نه يك جواب دروغين يا ساختگي . آنوقت يك شخصي مي آيد در وبلاگ خودش مي نويسد: اگر در هر ساعتي از شبانه روز سؤال طرح كنيم پاسخ متفاوتي به دست مي آوريم .بعد نام خود را استاد جفر هم مي گذارد و سي دي آموزشي بيرون مي دهد.

براي استخراج جواب در جفر فرمولي وجود ندارد

حال ممكن است در اينجا براي شما اين مسئله مطرح شود كه، اگر سؤال و پاسخ آن ثابت بوده و از قبل در كتاب جفر جامع مضبوط است، پس بايد فرمولي رياضي براي رسيدن به آن وجود داشته باشد و ما بتوانيم با محاسبات آن را كشف كنيم. پاسخ اين است كه : متأسفانه فرمولي براي اين كار وجود ندارد. دليل آن هم فقط يك چيز است : **حفظ اسرار .**

زيرا اگرچنين فرمولي وجود داشت هركسي مي توانست با دست يافتن به آن فرمول در باره هرچيزكه بخواهد سؤال كرده و پاسخ استخراج كند؛ دراين صورت در عالم هستي نه رازي باقي مي ماند و نه دنيا جاي سكونت بود؛اين مسئله هم برخلاف حكمت و عدالت خداوند متعال است كه آفريننده جهان هستي است. اگرهم برفرض‌محال‌چنين‌فرمولي وجود داشته باشد، مطمئناً فقط در دست پيامبران و اولياء خدا قرار خواهد گرفت . استخراج جواب به واسطه الهام است و سرمنشأ الهام نيزعالم غيب است و خداوند متعال هركس را كه صلاح بداند به اين وادي وارد مي كند و ديگران هر چقدر هم كه باهوش بوده و از تمركز فكرصد درصد و نبوغ برخوردار باشند نمي‌توانند به چنين مرحله اي برسند؛ اگر غيراز اين بود، دانشمندان رياضيدان و نوابغ اين علم بايد در طول تاريخ راز آن را كشف مي كردند. اما شما مي دانيد كه تا كنون چنين اتفاقي نيافتاده و هرگز هم روي نخواهد داد. بشر در حال حاضرابَرَ كامپيوترهايي ساخته است كه محاسبات پيچيده

رياضي را درچندثانيه انجام ميدهند.حال اگراستخراج جواب در جفر به انجام محاسبات رياضي بستگي داشت ، در اين صورت كامپيوترها مي توانستند آن را انجام داده و در روز به صدها هزار سؤال پاسخ بدهند. امّا آيا تاكنون چنين اتفاقي روي داده است ؟ مسلماً خير.

در بخش بعدي شرح خواهيم داد كه روند حقيقي استخراج جواب در جفرچگونه است .

چگونگي استخراج جواب سؤالات در جفر

اگر فرض كنيم كه كامپيوتري وجود داشته باشد كه بتواند پاسخ هر سؤالي را بدهد، دراين صورت هر كسي كه به آن وسيله دسترسي داشته باشد مي تواند هر سؤالي كه بخواهد مطرح كرده و پاسخ آن را به دست بياورد.حال اگرفرض‌كنيم كه به جاي اين‌كامپيوتر،شخصي درون مغز ما نشسته باشد و جواب تمام سؤالات را بداندچطور؟چگونه مي توان از دانش اين فرد استفاده كرد؟آيا اصلاً چنين چيزي امكان پذير است؟در پاسخ بايد بگوييم : بله چنين چيزي واقعيت دارد و نام آن فرد هم « **ضميرناخودآگاه** » است. درون ما شعوري وجود دارد كه از راز همه چيز با خبراست و پاسخ هر سؤالي را مي داند.اگر ما بتوانيم به او متصل شويم مي توانيم هر سوالي كه از او بخواهيم بپرسيم و جوابي روشن و واضح در يافت كنيم. اساتيد قديمي در باره جفر مي گفتند :

سوال از هر چه خواهی کن　　جواب خود، بشنو تو آسان

منتهي در اينجا دو شرط اساسي براي استفاده از اين قدرت بيكران وجود دارد. **1**- خداوند متعال اذن اين كار را صادر فرمايد. **2**- شخص از تمركز فكر خوبي برخوردار بوده و راه براي دستيابي به جواب را به درستي طي كند.

اين دو شرط اساسي براي موفقيت در اين علم است و بقيه مسائل، فرعيات آن را تشكيل مي دهد.

اگر ما روندي را كه از طرح سؤال تا استخراج جواب طي مي شود را يك بار به دقت وارسي كنيم متوجه خواهيم شد كه قضيه از چه قرار است. من در اينجا آن روند را يكبار براي شما شرح مي دهم تا مسئله كاملاً روشن شود.

لطفاً به بحث بعدي دقت كنيد.

همه چيز در جفر از طرح سؤال آغاز مي شود. ما براي خود يا براي ديگران سؤالي طرح مي كنيم و اين سؤال از سه حالت خارج نيست. **1**- در باره گذشته است . **2**- در باره زمان حال است . **3**- در باره آينده است.درهرسه حالت،موضوع اصلي اين است كه مسئله اي وجود دارد كه شخص سؤال كننده از صحت و سقم آن مطلع نبوده و مي خواهداز واقعيت آن مطلع شود. مثلاً فرض كنيد اتفاقي در تاريخ افتاده و كسي از واقعيت آن مطلع نيست؛ نمونه اش همين اختلاف درتاريخ تولد يا وفات بزرگان دين است. حال يك جفار سوال مي كندكه تولد حضرت فاطمه زهرا (س) در چه سال وماه و روزي بوده است؟

تا اينجاي كار سؤال مشخص است. اما حال موضوع مهمتر اين است كه ما اين سؤال را از چه كسي مي پرسيم؟ آيا بجز اين است كه جفار اين سوال را از خود مي پرسد؟در اين صورت معني درست آن اين ميشود كه جفار جواب اين

سؤال را مي داند، درغيراين صورت بايد اين پرسش را از كس ديگري مي پرسيد.متأسفانه اينها مسائلي است كه كسي به آن توجهي نمي كند. اكثر افراد حتي به اين نكته كاملاً روشن هيچ توجهي ندارند و نمي دانند وقتي كه سؤالي را طرح مي كنندر واقع خودشان را مورد خطاب قرار داده اند. حال اگر اين مطلب را بپذيريم ، آنگاه اين سؤال مطرح مي شود كه اگر جفارخود، پاسخ را مي داند پس چرا در همان حال آن را به ياد ندارد يا از بيان آن عاجز است؟ پاسخ اين است :

ما داراي سه نوع حالت ذهني هستيم. **1**- خود آگاهي . **2**- ميان آگاهي . **3**- ناخود آگاهي .

ظرفيت هركدام از اين سه قسمت با يكديگر متفاوت است. حقايقي كه بطور روزمره مورد نياز ماست در قسمت خود آگاهي قرار دارد كه ظرفيت آن نسبت به دو بخش بعدي بسياركمتر است.

امّا مسائلي كه ما هَر اَز چندگاهي به آنها نياز پيدا مي كنيم و درحالت عادي نيز به آنها دسترسي نداريم در قسمت ميان اگاهي قرار دارد. مثلاً نام يك شخصي را كه درگذشته با وي دوست بوديم و در حال حاضر فراموش كرده ايم و با كمي فكر كردن به ياد مي آوريم در اين بخش قرار داشته است.

امّا خاطراتي كه ما در حالت عادي اصلاً آنها را به ياد نمي آوريم (مثل خاطرات زمان توليد) همگي در قسمتي از ذهن جاي دارند كه ما به آن « ناخود آگاهي » يا « شعور باطن » مي گوئيم.

تمام مسائل مربوط به پيشگويي آينده ، فال بيني ، هيپنوتيزم و هر مسئله ماوراء الطبيعه ديگر به اين بخش مربوط مي شود. كتاب جفر جامعي هم كه قبلاً صحبتش را كرديم در همين بخش واقع شده است. اين شعور باطن،

گذشته از این که آرشیو خاطرات ماست، بلکه این توانایي را دارد که وقتي ما از وي سوال مي کنیم پاسخ واقعي آن را به ما بدهد. یعني اینکه قدرت تشخیص دارد. مثلاً وقتي ما در باره آینده از وي مي پرسیم، او مي داند که پاسخ این سؤال در کدام خانه از خانه هاي جفرجامع مخفي شده است، پس به آن خانه مراجعه مي کند و پاسخ مربوطه را در اختیار ما قرار مي دهد. حال در اینجا سؤالي که مطرح مي شود این است که ،چگونه مي توان از شعور باطن استفاده کرد؟ و یا به بیان دیگر، چگونه مي توان با آن مرتبط شد؟پاسخ خیلي ساده است، همه چیز به تمرکزفکرمربوطمي شود،زیرا در حالت عادي ما به اینبخش از وجود خود دسترسي نداریم. در واقع اگر به کسي اذن و اجازه دخول به این قسمت داده شده باشد، در این صورت با یك تمرکز فکر بالا، او مي تواند به تناسب اجازه اي که به وي داده شده از اخبار غیبي مطلع شود. تمام مسئله استخراج جواب از جفر در همین نکته مهم نهفته شده است . امّاهمه افراد نمي توانند به این بخش متصل شوند یا این کار را به سادگي انجام بدهند؛علت آن هم،همان دلیلي است که اول بحث عنوان کردیم. یعني جلوگیري از دسترسي آسان افراد به قدرتهاي دروني.

دراینجا و به تناسب بحث لازم مي دانم نکته بسیار مهمي را بیان کنم تا شناخت شما نسبت به جهان هستي هر چه بیشترارتقاء یابد. این نکته مهم به ساختار حقیقي یا نماي واقعي انسان مربوط مي شود.

ما ازشکل وشمایل یك انسان سالم تصویري درذهن خودداریم. مثلاً همه انسانها پنج انگشت در هردست دارند.حال اگرکسي به دنیا بیایدکه تعداد انگشتان دست وي از این تعداد بیشتر یا کمتر باشد ما او را یك شخص طبیعي نمي دانیم. درباره قواي جسمي وذهني ما هم چنین میزاني سنجشي وجود دارد. مثلاً به ما گفته مي شود که یك انسان هرگز نمي تواند پرواز کند، حال اگر کسي

يافت شود كه بدون هيچ وسيله اي درهوامعلق بماندما فوراً دنبال اين مي گرديم كه وي با چه حقه و نيرنگي اين كار را انجام داده است؟ زيرا در ذهن ما تصويري كه از يك انسان سالم و طبيعي وجود دارد اين است كه هيچ انساني نمي تواند پروازكند زيرا اين‌يك قانون است كه متأسفانه بايدگفت قانون غلطي است .

با كمال تأسف بايد عرض كنم، تمام شناختي هم كه ما در علم روانشناسي و پزشكي در باره انسان داريم هم غلط است. اين اشتباه ازآنجا ناشي مي‌شودكه ما درياقتهاي‌خود در باره شكل و شمايل انسان و توانايي هاي وي را به جاي واقعيت وجودي وي گرفته ايم؛ در حالي كه تعريف ما در تايما از يك انسان سالم اين است : انسان سالم و طبيعي كسي است كه مي تواند غيب شود، ذهن ديگران را بخواند، طي الارض كند، از آينده خبر دهد و خلاصه هركارديگري را كه در حال حاضر انجام آن را براي انسانها محال مي دانيم، به راحتي بتواند انجام بدهد. اين قدرتها در ذات ما نهفته است و قرار نيست كه از جايي بيايد و يا از كسي به ما منتقل شود.

در واقع ما با اين توانائيها به دنيا مي آئيم، اما در بدو تولد پرده اي روي ذهن ما كشيده مي شود كه ما نه از وجود چنين نيروهايي آگاه شويم و نه اينكه بتوانيم بفهميم كه چگونه مي توان از آنها استفاده كرد. البته اين محدوديت قطعي و دائمي نيست. بلكه ، اگر كسي به مرحله اي برسد كه خداوند متعال وي را شايسته استفاده از اين قدرتها بداند،پس وسيله اي فراهم مي‌كندكه وي به اندازه لياقتي كه براي وي مقدر شده از اين قدرتها بهره مند شود.

اگر شما تاريخ زندگي انسان را مطالعه كنيد به موارد زيادي برخواهيد خورد كه افرادي در اثر يك اتفاق خاصي،مثل اصابت ضربه به سر و يا برخورد با وسايل نقليه و سقوط از ارتفاع و يا شگفت انگيز تر اينكه، بعدازملاقات باشخاص ناشناسي درمناطق خلوت و بدوراز

افراد جامعه،يكباره به قدرتهاي خاصي رسيده اند.مثلاً در ايران خودمان مشابه مورد آخر زياد داشته ايم. مورد مرحوم كاظم ساروقي يكي از اين موارد است.(مي توانيد شرح مفصل آن را در اينترنت پيدا كرده و يا كتبي راكه در اين زمينه منتشر شده مطالعه فرمائيد).اين بنده صالح خدا بعدازملاقات با چندموجودآسمانيدر بيابان و سپس همراهي كردن آنها در زيارت يك امامزاده، بعداز تماس دست يكي از آن بزرگواران بيهوش مي شود و بعد از به هوش آمدن متوجه مي شود كه علي رغم بي سوادي ، تمام آيات قرآن را حفظ است.چنين مواردي در كشور هاي ديگر هم گزارش شده است.درفيليپين افرادي هستند كه بعد از ديدن خوابهايي و يا ملاقات با فرشتگان مي توانند افراد بيماررا شفا دهند.برخي از اينها قادرندحتي با انگشتان دست خودجراحي كنند.

براي انجام اينكاردست خود را مستقيماً به درون بدن بيمار فرو برده و بعد از اينكه دست از بدن خارج مي شود جاي بريدگي بلافاصله بهبود پيدا مي كند. تمام اين موارد مي رساند كه اين توانائيها درون خود ما قرار دارد و اين حوادث و برخوردها فقط حالت بيدار كنندگي را دارد. اما اينكه چرا عده معدودي چنين شانسي را پيدا مي كنند و اكثريت جامعه از داشتن چنين توانائيهايي بي بهره اند ؟ اين سؤالي است كه جوابش خيلي سخت است. راحت ترين پاسخ اين است كه خواست خدا است.

امّا نكته اي كه در اين بين وجود دارد اين است كه همه اين افراد حتي قبل از اينكه به چنين قدرتهايي دست پيدا كنند، رابطه خوبي با ضمير باطن و درون خود

داشته و عمدتاً از افراد بي سواد يا عامي جامعه به شمارمي آيند. راستي چه رازي در بي سوادي و عامي بودن افراد با كسب قدرتهاي دروني نهفته است؟ چرا پيامبران الهي قبل از اينكه به مقام نبوت نائل شوندغالباً از مردم كناره گيري كرده و درون غارها به تفكرمي پرداختند؟پاسخ اين‌پرسش مي توان‌دگره ازاين معما بگشايد. و يا اينكه ،چرا مرتاضان و دراويش براي سالهاي متمادي از جامعه دور شده و درون جنگلها و غارها به رياضت مي پردازند؟ چه رابطه اي در خوردن و نخوردن برخي از مواد غذايي و دوري از رابطه جنسي و مراوده با افراد ديگر جامعه و كسب قدرتهاي دروني وجود دارد؟ ما به تمام اين سؤالها در (دوره شناخت حقيقي از ديدگاه مكتب تايما از جهان هستي) پاسخ داده ايم.

اين بحث را با وجود شيريني و جذابيت زيادي كه دارد، مجبوريم در همينجا رها كنيم،زيرا از موضوع اصلي خود دور مي شويم. حال و در ادامه، چگونگي اتصال به ضمير باطن را مورد بحث و بررسي قرار خواهيم داد.

چگونگي اتصال به ضمير باطن

قبلاً توضيح داديم كه جفار وقتي كه سؤالي را طرح مي كند در واقع آن سؤال را از خود دروني خويش مي پرسد.حال پرسش اساسي اين است كه بهترين روش براي طرح سوال و استخراج جواب كدام است؟ چگونه مي توانيم از

شعور دروني خود سؤال كنيم و بهترين و روشن ترين پاسخ را از وي دريافت كنيم؟ جواب اين سؤال درداشتن تمركز فكر عالي است.

ما در حالت عادي با ضمير باطن خود رابطه اي نداريم . علت آن اين است كه شعور دروني ما در پايين ترين طبقه از ذهن قرار دارد و براي رسيدن به آن بايد از عالم خود آگاهي و ميان آگاهي گذشته و به ناخود آگاهي وارد شويم . سير چنين مسيري مستلزم اين است كه ما از خود آگاهي خود فاصله گرفته و وارد حالتي شويم كه در اصطلاح به آن : **تمركز فكر ، خلسه** و يا **خود هيپنوتيزم** مي گويند. وارد شدن به چنين حالتي خود بخود اتفاق نمي افتد. افراد بايد تمرينات زيادي را در طي ماهها وسالها انجام دهندتا ذهن خودرا آماده پذيرش آن سازند . در دوره آموزش هيپنوتيزم ما مفصلاً به اين‌موضوع پرداخته ايم.در هر مكتب فكري و عرفاني تمرينات و راههاي متفاوت و مختلفي براي رسيدن به چنين حالتي به رهروان داده مي شود.گروهي بااستفاده ازذكر،برخي با تمريناتيوگا،عده اي با تمرينات خود هيپنوتيزمي و استفاده از تلقين به نفس و سرخپوستان امريكا با استفاده از گياهان دارويي كه حالت روانگردان دارند سعي مي كنند اشخاص را به چنين حالتي رسانند. در عرفان اسلامي اين كار با ذكرگويي و رياضتهاي شرعي دنبال مي شود.

وقتي كه فردي توانست خود را به اين حالت برساند،با استفاده از كليدهاي ذهني خود را شرطي مي كند و در دفعات بعدي راحت ترخود را به اين مرحله مي رساند.سپس بسته به كاري كه در حال انجام آن است از اين قدرت لايتناهي استفاده مي كند. مثلاً يك جفار از اين حالت براي استخراج جواب استفاده كرده و سپس پاسخ به دست آمده را مطابق قواعدي به شكل كلماتي قابل فهم در آورده و بيان مي كند.دراينجا نيز يك نكته جالبي وجود

دارد كه ذكر آن خالي از لطف نيست. اين نكته به قدرت جفاران مربوط مي شود.

قدرت جفاران در استخراج جواب

كساني كه هيچ شناختيدرباره جفر ندارندويا فكر ميكنند كه استخراج جواب از جفرتابع يك فرمول رياضي است گمان مي كنند كه اگر ده نفر جفار با هم سؤالي را مطرح كنند به يك جواب مي رسند. در حالي كه هرگز اينگونه نيست و خود همين مسئله نشان مي دهد كه اگر فرمول مشخصي در كار بودبايد همه سؤال كنندگان به يك جواب واحد مي رسيدند.

حقيقت آن است كه چون استخراج جواب براساس تمركز شخص و ارتباط او با ضمير باطن صورت مي گيرد، لذا بسته به ميزان تمركز فكر و ارتباط هر جفار با شعور باطني خود روشني و وضوح جوابهاي استخراج شده با يكديگر فرق خواهد كرد اما دراصل به يك معني خواهد بود.مثلاً اگر در باره ازدواج بين دو نفر سوال شود، ممكن است يك جفارپاسخ استخراج كند كه : **همه چيز سياه است.** و ديگري دقيقاً نام هر دو نفر را به دست بياورد كه : **ازدواج فلان و فلان خوب نيست.**

خلاصه همه به يك نتيجه مي رسند كه اين ازدواج خوب نيست. اما در الفاظ با هم فرق خواهند كرد. هر چقدر كه يك جفار از لياقت بيشتري برخوردار باشد جوابهايش واضحتر خواهد بود. من خودم هر گاه كه اوضاع و احوال روحي ام مناسب باشد براي هر سؤالي كه طرح مي كنم پاسخهاي روشني به دست مي آورم ، اما هروقت كه از مسئله اي ناراحت باشم و آن موضوع اوضاع و احوال روحي مرا به هم بريزد حتي شايد قادر نباشم به هيچ سؤالي جواب بدهم .عمل استخراج جواب تابع شرايط روحي و رواني جفار است و اگر وي به خاطر مشكلات زندگي ويا بيماري روحي و رواني، تمركزفكر خود را از دست بدهد مدتها قادر نخواهد بود كه به راحتي از جفر پاسخ استخراج كند.

ايـنهـايـي كـه عرض شد، تـجربـه شخصي خـود بـنـده و ايـن جفـري است كـه بـه عنـوان يك علم بـه ديـگران مـي آمـوزم. امـا اگرفـردي مـورد عنـايـت حق تـعالـي قـرار بـگيـرد و اخبـار بـي واسطه بـه او بـرسد از ايـن قـاعده مستـثنـي خـواهد بـود. امـا تـجربـه شخصي بـنـده و حتـي بـسيـاري از اسـاتـيد عرب و هنـدي و پـاكستـانـي ايـن علم مـي رسـانـد كـه نـظريـه بـنـده درست است. امـا اگـر جفـر از يك قـاعده ريـاضي پـيـروي مـي كـرد پـس وضعيت روحـي و روانـي فـرد جفـار در ايـن بـيـن چـه اهميـتـي داشت ؟

مـن از روزي كـه ايـن علم را دنـبـال كـردم، بـا خـود عهد نـمـودم كـه جز حقـيقت نـپـويـم و بـه كسانـي كـه مـايـل بـه فـراگيـري ايـن علم هستـنـد هرگز دروغ نـگـويـم ؛ زيـرا كـه عـاقـبت روزي آن دروغ افـشا خـواهد شد.

امّـا مـتـأسفـانـه تـجربـه شخصي مـن ثـابـت كـرده كـه اكثـريـت علاقـمنـدان بـه ايـن علم را كسانـي تـشكيـل مـي دهند كـه عـاشق دروغ هستـنـد. اگر مـن بـه مـردم در بـاره استـخراج مستـحصلـه جفـر دروغ بـگـويـم بـيـشتـر مقـبـول آنـهـا قـرار خـواهم گـرفـت تـا زمـانـي كـه حقـيقـت را بـازگـو مـي كـنـم.

شيـطـان صفـتـانـي كـه دوست دارنـد هميشه مـردم را اسيـر و بـرده خـود كـنـنـد، بـه دروغ ادعـا مـي كـنـنـد كـه جفـر يـك فـرمـول ريـاضي دارد و آنـهـا بـه آن پـي بـرده بـرده انـد، لـذا ديـگران را تـشويـق مـي كـنـنـد كـه كـتـب جعلي ايـشان را بـه قـيمت نـازلـي خريـداري كـنـندو بـه ايـن تـرتـيـب در مقـيـاس وسيـع خزعبلاتـي را بـه فـروش مـي رسانـنـد و زمـانـي مـردم از حقـيقـت بـاخبـر مـي شونـد كـه مـرغ از قفـس پـريـده و دست كسي بـه جايـي بـنـد نـيـست. مـن در ايـن كـتـاب و بـقـيـه كـتـب آمـوزشي دوره جفـر، فـقـط حقـيقـت را بـراي شمـا مـي نـويـسم و ايـنـكـه شمـا تـا چـه انـدازه آن را بـاور كـنـيـد، امـري است كـه بـه شمـا مـربـوط مـي شود. روشهـا و قـواعدي را كـه مـن آمـوزش مـي دهم بـر اسـاس اصول كـامـلاً مشخص و مـدونـي بـوده و درستـي آنـهـا را تـضميـن مـي كـنـم.

اگر شما هم طبق شيوه اي كه ارائه مي شود اين علم را دنبال كنيدمطمئناً به نتيجه خواهيد رسيد همانطور كه بقيه رسيده اند. اساتيد قديمي چون هرگز نمي خواستند مردم سر از كار آنها در آورنددر كتابهايشان وانمود مي‌كردند كه استخراج جواب ازجفرتابع اعمال طولاني رياضي بوده و به سختي صورت مي گيرد در صورتي كه تلاشهاي شبانه روزي بنده ثابت مي كند كه استخراج از جفر تابع سه شرط است: **1**- داشتن نصيب از علم . **2**- داشتن تمركز فكر خوب و ذهني آزاد و بدون اشكال.**3**- به كار بستن قواعد درست كه به اخذ نتيجه منجر بشود.

در اين كتب بنده تمام اصول علمي مربوط به استخراج مستحصله جفر را براي شما توضيح مي دهم تا شما با هرروشي كه خواستيد استخراج جواب كنيد موفق شويد. حال به ادامه مطلب توجه كنيد.

اسرار استخراج مستحصله جفر

درس يكم

حال كه به صورت علمي و نظري با مسئله سؤال و جواب در جفر آشنا شديد، نوبت اين رسيده كه اين موضوع را با شفافيت بيشتري شرح دهيم تا هيچ نكته مبهمي باقي نماند.

در بخشهاي قبلي گفتيم كه وقتي جفار سوالي را طرح مي كند درحقيقت آن را از خودش مي پرسد؛ بنابراين در وهله اوّل اين موضوع خيلي مهم است كه جفار سوال را رويت كند يا بداند كه در باره چه چيزي بايدسؤال طرح كند. عده اي با ما تماس گرفته و اظهار مي كنند كه ما عدد حروف سؤال را به شما مي دهيم و شما پاسخ آن را استخراج كنيد. اين امر به صورت علمي هرگز امكان

ندارد.زيرا جفار بايد بدانيد كه سؤال دررابطه با چه چيزي است. بسيار پيش مي آيد كه دو سؤال متفاوت داراي اعداد يكساني باشند،(مثل اينكه يكبارسؤالكنيم،عاقبت بشار اسد رئيس جمهورسوريه چه خواهد شد؟ و بار ديگر كلمه سوريه را به روسيه مبدل كرده و همين سؤال را تكرار كنيم.در هر دو سؤال هم تعداد حروف و هم نقاط و هم اعداد حروف سؤال يكسان است.)حال جفار مادر مرده از كجا بفهمد كه اين اعداد به چه سؤالي مربوط است؟ گاهي نيزكسي يا كساني به عنوان شوخي اعدادي را به جفاري داده و ازاو مي خواهند كه پاسخ سؤال آنها را استخراج جواب كند.حال اگرجفارصورت سؤال را نديده باشد از كجا بداند كه اين اعداد واقعي هستند يا خير و مربوط به چه سؤالي مي باشند؟

مطلب بعدي اينكه، گاهي اوقات افرادسؤالات دروغيني را جهت امتحان جفارمطرح مي كنند تا ببينند آيا وي مي تواند به دروغ آنها پي ببرد يا نه؟ اين كار هم اشتباه است.زيرا جفار براساس اطلاعاتي كه شما به او ميدهيدطرح سؤال ميكند.اوعلم غيب ندارد كه بداند اين سؤال حقيقي است يا ساختگي؟ مثلاً فردي كه اصلاً متاهل نيست،به دروغ سؤال ميكند كه چرا من و همسرم بچه دار نمي شويم و جالب اينكه اسم همسردروغيرا هم اعلام مي كند.تمام اين موارد باطلاست ويك جفاريكه اين علم را به شكلي اصولي آموخته قادربه كشف دروغ افراد نيست؛مگركسي كه به الهامات خاص غيبي مجهز باشد كه وجود چنين اشخاصي در اين دوره زمانه اگر محال نباشد ، از نوادر است .

اگر اين مطلب را پذيرفته باشيد كه جفار سوال را از خود مي پرسد،پس به هنگام طرح سؤال لازم نيست كه زيادآن را طول وتفصيل بدهيد. مثلاً اگر سؤال از آخر و عاقبت شخصي است، لازم نيست كه به دقت تاريخ و ساعت و روز و همه اين مسائل را بنويسيد؛زيرا جفارشما هستيد و مي دانيد كه در باره چه چيزي سؤال مي كنيد. مثلاً

اگر در باره آخر و عاقبت بشار اسد سوال مي كنيد، كافي است سؤال كنيد: **آخر و عاقبت بشار اسد چگونه است ؟** همين كافي است. امّا در مراحل ابتدايي آموزش اين كار را نكنيد؛ زيرا يك مقداري از پاسخ سؤال ارتباط به جمع اعداد حروف سؤال دارد.بنابراين گاهي اوقات اگر عدد ضعيف باشد، احتمال دارد شما نتوانيدجواب احتمالي سؤال را بين حروف تشخيص دهيد.پس در ابتداي كار،سؤال خود را مقداري دقيق تر مطرح كنيد.مثلاً همان سوال را اينگونه مطرح كنيد : دوشنبه سوم مهر سال هزارو سيصدو نود و يك شمسي عاقبت كار بشار اسد رهبر سوريه چگونه خواهد بود؟

نكته مهمي كه بايد به آن دقت كنيد،روش طرح سؤال است. سؤال شما بايد دقيق از نظر شكلي مطرح شود. هر چند كه استخراج پاسخ الهامي است، اما ضمير باطن شما بايد بدانيد كه از او چه مي خواهيد؟ يكبار،جفاري در باره وجود گنج در يك روستا اينگونه طرح سؤال كرده بود : گنج روستاي فلانجا در كجا واقع شده است ؟ اين سؤال از بدو امر اشتباه است . زيرا بهتر بود كه ابتدا وي سؤال مي كرد كه آيا در آن روستا اصلاً گنجي وجود دارد يا خير؟ بعد، اگر جواب مثبت بود ،باز هم بايد سؤال مي كرد كه آيا گنج روستا در يك مكان است يا در محل هاي متعددي دفن شده است؟ به همين صورت بايد قدم به قدم پيش مي رفت تا به نتيجه مي رسيد.(البته بنده خودم هرگز از اين علم در اين راه استفاده نكرده و نمي كنم. اين مثال را فقط جهت روشن شدن مطلب عرضكردم).و يا اگرجفاري بخواهددرباره ازدواج شخصي طرح سوال كند، درابتدا بايد بپرسدكه :آيا اين شخص نصيب از ازدواج دارد يا خير؟ اگر جواب مثبت بود به جنبه هاي ديگر بپردازد. در باره تمام مسائل بايد به همين شكل دقيق عمل كرد.

يك موضوع بسيارمهم ديگركه بايد به آن توجه داشته باشيد اين است كه ، اكثريت علاقمندان به جفر فكر مي

کنند که هر سؤالي که از جفر بکنیم باید این علم به آن پاسخ دهد. براساس این طرز فکر خیلیها با بنده تماس گرفته و مي گویند : ما مي خواهیم بدانیم نام همسرآینده ما چیست و اهل کجاست ؟

بنده اعتقادراسخ دارم که به این سؤالات هم ميشودجواب داد؛ اما استخراج جواب براي چنین پرسشهایي تابع شرایط روحي و رواني جفار است.(منظورجفاري است که این دانش را با اصول علمي آموخته، و گرنه اگر کسي به صورت الهام ازعوالم غیبي به اخبار غیبي دست پیدا مي کند،حساب اوجداست) . جفاران فعلي را نبایدبا امثالشیخ بهایي ومرحوم دهداران وحسیناخلاطي و بایزید بسطامي و دیگر بزرگان مقایسه کرد.آنهاعلم خود را به نوع دیگري کسب کرده بودند. البته ناگفته نماندکه با روشهاي ما هم این کار عملي است، اما به جفارش بستگي دارد. اگر جفاري از تمرکز فکر صددرصد برخوردار باشدمسلّماً مي تواند به این سوالات هم پاسخ دهد.

بنده خودم درمواردي موفق به انجام این کار شده ام، امّا نه همیشه. چندین بار که در باره استخراج اسم سؤال طرح کرده ام از هر ده مورد به دوسه مورد توانسته ام جواب بدهم و این در شرایطي بوده که به لطف خدا از نظرتمرکز فکري درموقعیت خوبي قرار داشتم.اما اعتراف ميکنم که استخراج اعداد و اسم و نام مکانها خیلي سخت است و اگر لطف الهي نباشد هرگز انسان در این زمینه به جایي نمي رسد.بعضي ازجفاران قدیمي اطلاعات خودرا ازاحضارات کسب مي کردند؛ اما در

نزد مردم اينگونه وانمود ميكردند كه اسم شخص يا مكان را با قوانين جفر استخراج كرده اند.

درس دوّم

بعد از اينكه شما با قوانين طرح سوال كه در كتب اصلي هم آن را مفصلاً توضيح داده ايم آشنا شديد، نوبت به انتخاب روش جفري مي رسد.

جفر از روشها و قواعد زيادي برخوردار است. زيرا هراستادي بعد از اينكه در اين علم به مهارت و تسلط لازم دست پيدا كرده، براي خود روشهاي جديدي را بوجود آورده است ؛درحال‌حاضرتعداد اين روشها بسيار زياد است و بنده گمان نمي كنم كسي يافت شود كه از تمام آنها مطلع باشد.

به نظرمن بهتر است شما كاراستخراج جواب در جفر را با ساده ترين روشها شروع كنيد و سپس به تدريج به روشهاي پيچيده تر بپردازيد. دراين حين درخواهيد يافت كه ذهن شما با كدام روش بيشتر هماهنگي دارد و جوابهاي بهتري به شما ارائه مي كند.

مطلب مهمي كه بايد در اينجا به آن توجه كنيد آن است كه ، براي يك جفار بايد مهم ترين مسئله ، استخراج جواب درست باشد نه روش استخراج. بعضي از روشها بيخودي پيچيده اند و اين‌كار فقط برا ي اين بوده كه به مردم نشان بدهند كه استخراج پاسخ سؤال خيلي سخت است. اما من در اين دوره به شما نشان مي دهم كه در

يك سطر هم مي توانيد جواب استخراج كنيد. البته يك عده اصرار دارند كه بايد حتما جواب سؤال در روش پانزده سطري استخراج شود تا درست باشد، در حالي كه اين حرف و اعتقاد هيچ پايه و اساس علمي ندارد.

اصل براي شما بايد اين باشد كه پاسخ صحيح به دست آوريد، حال اين پاسخ با چه روشي به دست مي آيد چه اهميتي دارد؟

درس سوّم

بايد بدانيد ، اين روشهاي استخراج جواب نيستند كه شما را موفق به يافتن جواب مي كنند، بلكه روشها كانالهايي هستند كه الهامات درون آنها جريان مي يابد. مسئله روش استخراج جواب در جفر پانزده سطري با جفر خافيه از نظرظاهري متفاوت است اما دراصل هر دوي اين روشها فقط واسطه اي هستند تا الهامات دروني را سامان بخشند. انتخاب نوع پاسخ گيري هم به همين شكل است. مثلاً جفاري جوابهاي خود را ابتدا نظيره مي گيردو بعد به صورت كلمات قابل فهم درمي آورد. يكي ممكن است پاسخ را يك در ميان استخراج كند. خلاصه اينكه هرجفاري مي تواند براي خود سيستمي را بوجود بياورد. ما روش ساخت اين قواعد را بعداً به شما خواهيم آموخت وشما هم قادر خواهيد بود كه براي خود روش نويي به وجود بياوريد.

درس چهارّم

عمل استخراج جواب يك كار عملي و ذهني است، پس هر چقدر كه بيشترتمرين كنيد هم ذهن خود را فعالتر مي سازيد و هم اينكه به الهامات بيشتري دست مي يابيد.بهتر است از روزي كه شروع به تمرين مي كنيد دفتر چه اي را همراه خود داشته باشيد تا هر كجا كه فكر نويي به ذهنتان رسيد آن را فوراً ياد داشت كنيد.زيرا وقتي كه فكر خود را روي چيزي متمركز مي كنيد در واقع ضمير باطن خود را وادار مي كنيد تا براي سؤال شما پاسخ شايسته اي فراهم كند. حتما تاكنون پيش آمده است كه بخواهيد چيزي را به ياد بياوريد اما درآن لحظه هركاري كه مي كنيدآن موضوع به ياد شما نمي آيد. سپس و زماني كه جستجو براي به يادآوردن آن را به كنارگذاشته ايد،يكباره در يك جا و در لحظه اي كه اصلاً به آن موضوع فكر نمي كرديد با وضوح تمام مطلب مورد نظر را به ياد مي آوريد.

اين بدان علت است كه با وجود اينكه شما به صورت ظاهري از جستجو دست كشيده ايد اما ضمير باطن شما هرگز آن را رها نكرده است و هر لحظه كه آن را به ياد مي آورد در اختيار شما مي گذارد.

درس پنجم

وآخرين نكته اين است كه ، به ياد داشته باشيد كه در اصل جواب تمام سؤالها درون ذهن شما قرار دارد. اما در حالت عادي شما به آن دسترسي نداريد،زيرا كه انسان از سه نوع حافظه برخوردار است ، هر كدام از اين حافظه ها كار بخصوصي‌راانجام مي دهند.حافظه كوتاه مدت ما براي نگهداري اطلاعات سرنوشت سازي است كه ما مدام به آنها احتياج داريم واگراين اطلاعات نباشد اصولاً زندگي ما امكان پذير نيست. به همين دليل است كه اگركسي بيماري فراموشي (آلزايمر) بگيرد قادر به

ادامه زندگي نيست. زيرا اسم خود را وآدرس منزل ونام افراد خانواده را فراموش كرده و حتي اگر از منزل خود خارج شود هرگز نمي تواند به آنجا برگردد.بخاطرهمين اهميت است كه خزانه خودآگاهي ازحجم كمي برخوردار است تا فقط اطلاعات حياتي در آن جاي بگيرند. اما حافظه ناخودآگاه ما كه واسطه ارتباط ما با جهانهاي ديگر است از حجم نامحدودي برخوردار بوده و تمام اطلاعات زندگي ما را از بدو تولد تا لحظه مرگ در خود نگه مي دارد. حال تصور كنيد اگر ما حافظه ناخود آگاه نداشتيم و تمام اطلاعات زندگي ما در حافظه آگاه انبار شده بود ،آيا ما مي توانستيم زندگي كنيم؟ مسلما خير؛ زيرا ذهن ما پر از اطلاعاتي مي شد كه ما به بسياري از آنها اصلاً نيازي نداشتيم. از آن گذشته ، تمام خاطرات تلخ و ناراحات كننده ما همواره در دسترس و در ياد ما بوده و مرتب ما را آزار مي داد. بعنوان مثال، مرگ عزيزانمان هميشه با تمام جزئيات در ذهن ما بود و ما را از صبح تا شب اذيت مي كرد.بهمين دليل خداوند متعال ذهن ما را به نوعي سازمان داده كه هر اطلاعاتي كه به صورت روزمره مورد نياز نيست موقتاً در حافظه خود آگاه مي ماند و بعداز مدتي به حافظه ناخود آگاه فرستاده مي شود.

تمام قدرتهاي رواني ما در اين بخش قرار گرفته اند. اين حافظه از يك ظرفيت لايتناهي برخوردار بوده وهرگز نه ضعيف مي شود و نه از بين مي رود. در حافظه ناخود آگاه هر كس يك نسخه ازكتاب جفر جامع قرار دارد.بهمين دليل وقتي كه شما سؤالي راطرح مي كنيد در درون از پاسخ آن باخبريد. اما در حالت عادي از به يادآوردن آن عاجزيد.در علم جفر ، حروف واسطه اي هستند براي نفوذ به عالم ناخود آگاهي،زيرا كه حروف بهتر مي توانند با ذهن افراد ارتباط برقرار كند.

هر كس كه بتواند به صورت صد در صد با اين قسمت از وجود خود مرتبط شود ،مي تواند به هر سؤالي جواب دهد.

هر چقدركه يك جفار از تمركز فكر قوي تري برخوردار باشد بهتر مي تواند با اين قسمت از وجود خود ارتباط برقرار كرده وپاسخ هر سوالي را در عرض چند لحظه دريافت كند؛ اين در حالي است كه يك فرد تازه كار نمي تواند به اين قسمت بطور كامل مسلط شود.

درعلم جفر مي توان هر سؤالي را مطرح كرد و به تناسب قدرت فكر جفار جواب گرفت. استاد فقط يك **راهنماست،** بهمين دليل ممكن است شاگردان بعدها روي دست استاد خود بلند شوند. زيرا معلم همواره معلم باقي مي ماند اما شاگرد ادامه داده و به دانشگاه رفته و تخصص كسب مي كند. ازطرف، استعداد و قابليت دروني همه انسانها با هم مساوي نيست. يك معلم با درجه هوشي متوسط ممكن است شاگرداني نابغه را پرورش دهد.

تجربه سالها كار علمي و عملي به من نشان داده كه اگر موانع استخراج جواب از بين برود، مي توان به هر سؤالي جواب داد، هر چندكه ممكن است روش استخراج حروف مستحصله ظاهرا در روشهاي مختلف جفر با يكديگر تفاوت داشته باشد، امّابدانيد كه همه آنها به يك اصل وابسته اند كه در اين كتاب ما آن اصل مهم را براي شما فاش خواهيم ساخت.

ازآنجايي كه اين كتاب به آموزش روش استخراج حروف مستحصله در جفر پانزده سطري اختصاص دارد ، لذا مطلب را در همينجا خاتمه داده و بخش بعدي را به شرح كامل مستحصله جفر پانزده سطري اختصاص مي دهيم.

شرح کامل اسرار مستحصله جفر در تمام روشها

مقـدمـه

در کتـاب قبـلي در بـاره روش استخـراج حروف مستحصله جفـر تـوضيحاتـي کلّي ارائـه داديم.حال در اين کتـاب آن

توضيحات را كامل كرده و سؤالي را كه در همان كتاب مطرح كرده ايم در اينجا جوابش را به صورت كامل استخراج مي كنيم تا شما به صورت عملي روش استخراج حروف مستحصله را تجربه كنيد.در اينجا ذكر يك نكته خالي از لطف نيست.

نكته اين است : جفر پانزده سطري از قواعد متعددي برخوردار است. اما به ياد داشته باشيد كه نه تنها در اين نوع از جفر، بلكه در تمام روشها استخراج مستحصله جفر فقط يك فرمول اصلي دارد كه بسيار هم ساده است و شايد وقتي شما از آن باخبر شويد حتي درپذيرش آن هم دچار شك و ترديد گرديد. ما اين نكته مهم را در جاي خود و در همين كتاب به صورت كامل شرح داده ايم.

استخراج حروف مستحصله در تمام روشهاي جفر از همين يك قاعده پيروي مي كند؛ اما جفاران با ابداع قالبهايي و اختراع روشهاي دروغين كه عمليات آنها هيچ ارتباطي به استخراج جواب ندارد روش خود را مهمتر جلوه داده و خود را انسان بزرگي به حساب مي آورند. درحالي كه اگر لطف خدا نباشد هيچ كس، با هر ميزان سواد و اطلاعات عمومي حتي قادربه استخراج پاسخ يك سؤال ساده هم نخواهد بود.قواعدي كه شما دركتابها ملاحظه مي كنيد صورت يا رويه ظاهري يك موضوعند. و يا به بيان ديگر، قواعد فقط قالبي براي ارائه مطلبند نه بيشتر. مثلاً شما در يك نوع از جفرمي بينيد كه استاد جواب را از ميان حروف سوال و با شمارش چهار در چهار استخراج كرده و كس ديگري با روش سختتري ، اينها همه فيلم است. اصل استخراج جواب در اين علم با يك فرمول كوچك و ساده امكان پذير است، اما به ياد داشته باشيد كه انجام هر كاري هر چقدرهم كه ساده بنظر برسد باز احتياج به اشخاصي دارد كه براي انجام آن كار از آمادگي كامل برخودار باشند. اما و متاسفانه در عمل چنين نيست. استخراج مستحصله در جفر از هر روشي كه باشد به شرط تمرين مي تواند هر دفعه ساده تر از دفعه

قبل صورت بگيرد؛ زيرا كه ذهن شما با اين كار خو گرفته و به شما كمك خواهد كرد.حال روش استخراج مستحصله را در اين نوع از جفر به صورت گام به گام آموزش مي دهيم.

قدم به قدم به سوي استخراج مستحصله جفر

راز اوّل (حروف دوست و دشمن)

قبلاً برايتان توضيح دادم كه استخراج جواب در هرروشي به يك اصل بسيار مهم وابسته است. من قصد داشتم اين اصل را در اواسط مطلب توضيح بدهم اما حال در همين ابتداي مطلب آن را فاش مي كنم تا از مطالعه آن لذت برده و ببينيد كه چگونه جفاران در قديم مردم را سركار گذاشته بودند و مانع دستيابي افراد به اين علم مي شدند.

شايد شما هم بسيار شنيده باشيد كه هر كس در جفر مي تواند به هر زباني سؤال مطرح كرده و به زبان خود جواب استخراج كنيد. اين امر كاملاً درست بوده و بهترين جواب براي كساني است كه ادعا مي كنند جفر فرمول دارد. اگر جفر براي استخراج حروف مستحصله داراي يك فرمول رياضي بود،چگونه امكان داشت كه آن فرمول تشخيص بدهد كه اين سوال به چه زباني طرح شده تا به همان زبان جواب استخراج شود.

امّا از آنجايي كه استخراج جواب براساس الهام صورت مي گيرد، لذا هر جفاري به هنگام استخراج جواب سؤال، حروف را به گونه اي انتخاب مي كند كه به زبان خودش معني بدهد.

راز اين كار فقط در يك قانون بسيار ساده نهفته است. نام آن، « **قانون حروف دوست و دشمن** » است.

حروف دوست و دشمن به زبان خيلي ساده يعني اينكه، در هر زباني حروف خاصي كنار هم قرار داده مي شوند تا كلمات ساخته شده با معني باشند. مثلاً در زبان فارسي

ما هرگز كلمه اي نداريم كه از اين حروف ساخته شده باشد : (ططظصض) اين حروف از نظر دستور زبان ما بسيار بي معني مي باشند. مگر اينكه حروفي رمزي باشند كه در اين صورت حساب آن جداست. امّا در مكالمات روزمره و درهيچ كتاب لغتي چنين كلمه اي وجود ندارد و يافت نخواهد شد.

اوّلين و آخرين قدم شما براي استخراج مستحصله جفر در هر روشي به اين وابسته است كه تا چه اندازه از اين اصل باخبريد؟زيرا اگر از اين موضوع مطلع نباشيدموقع استخراج حروف مستحصله، مُشتي حروف بي معني را كه ظاهراً از نظر قاعده استخراج درست انتخاب شده اندركنارهم قرار خواهيد داد و در آخر مي بينيدكه به جواب نرسيده ايد. اما حالا با آگاهي از اين قانون تمام حروف شما به درستي انتخاب و استخراج شده و جواب پشت سرهم و شفاف ظاهر مي گردد. اين عمل به دو موضوع وابسته است، 1- آگاهي ازاصل حروف دوست ودشمن، 2- روش استخراج وقراردادن حروف مستحصله دركنار يكديگر. حال قبل از اينكه دوّمي را هم توضيح دهم، ابتدا به مسئله دوستي و دشمني حروف مي رسيم.اين كار بسيارساده است. همين الان قلم و كاغذ برداشته و جدول دوستي و دشمني حروف را به اين صورت رسم كنيد.

حرف	دوستـــــــــــــــــــــــان
الف	ب ج د ه و ز ح ط ي ك ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ض ظ غ

حال مقابل اين حرف، تمام حروفي را كه مي توانند در كنار حرف الف قرار گرفته و كلمات با معني بسازند را در جدول وارد كنيد. خود الف نمي تواند قرار بگيرد.زيرا دو الف در كنار هم هيچ معنايي ندارند.امّاحروف داخل جدول مي توانندجزو دوستان بوده در كنار الف قرار بگيرند.علت قرار گرفتن چند تا از آنها را در ذيل توضيح داده ايم.

ب = اين حرف مي تواند پس از الف قرار بگيرد.زيرا كلمات زيادي با اين حرف ساخته مي شود. از قبيل : آب – آبي- آبان – آبادان – آباداني و غيره . . . !

ج = اجبـار – اجرت – اجتهـاد –اجازه و غيـره . . . . !

د = ادب – آداب – ادبـي – اداره – اديـب – ادوار و غيـره . . . . !

ه = آه – آهي – آهو – اهواز – اهرم – اهمـال – اهميت و غيـره . . . .!

بـهمين صورت مـي تـوان بـراي حروف ديگر دوستـان آن را يـافتـه و در جدول نـوشت.

حـال شمـا مـي دانـيـد كـه بـه هنگـام استخراج حروف مستحصلـه چـه حرفـهـايـي را بـايـد استخراج كـنـيـد كـه بـعد از ايـنـكـه دركـنـار هم قـرار گرفـتـنـد تـشكيل كـلمـات بـا معنـي بـدهند.ايـن تـمـام راز استخراج حروف مستحصلـه بـود.

راز دوّم (چيـنـش حروف مستحصلـه)

قبـل از ايـنـكـه راز دوّم را شرح بـدهم از يـك دروغ بـزرگ پـرده بـرمـي دارم.دروغي كـه بـراي اوّلـيـن بـار و فـقط در ايـن كـتـاب بـه آن پـرداختـه مـي شود. هزاران نـفـر از افـرادي كـه شب و روز بـه دنـبـال جفـر روانـنـد، اگراز ايـن راز بـا خبـر شونـددرعرض چنـدروز مـوفـق بـه استخراج حروف مستحصلـه مـي شونـد. امّـا چـون از ايـن مـوضوع بـي خبـرنـد سالـهـا بـه دنـبـال يـك فـرمـول دروغيـن تـمـام وقـت و زنـدگـي خـود را بـه هدر داده وآخركـار دست خالـي بـرمـي گـردنـد. ايـن راز بـزرگ در چيـنـش حروف جواب يـا مستحصلـه نـهفـتـه است.

در تـمـام كـتـابـهاي قـديـمـي جفـر شمـا مـي بـيـنـيـدكـه نـويـسنـده كـتـاب مـوقـع استخراج حروف مستحصلـه يـا از سمت راست يـا چپ شروع بـه استخراج حروف نـموده و دست آخربـا گـرفـتـن نظيـره از ابـجد يـا دايـره ديـگـر، و بـا صدرمؤخركـردن حروف آنـهـا را كـنـار هم قـرار داده و جواب را نـشان داده است. بـايـد بـگـويـم كُـلّ ايـن مسئـلـه يـك دروغ بـزرگ است.زيـرا فـرض كـنـيـد كـه حروف سوال شمـا مـثـلاً 23 عدد بـاشنـد.حـال سؤال ايـن است : جفـارچگـونـه مـي فـهمد حرفـي كـه بـه عنـوان

مستحصله استخراج كرده از نظرتركيب دوستي با حرفي كه قرار است در آخر استخراج بشود تشكيل يك كلمه با معني را مي دهد يا خواهد داد. اين موضوع اگر به سه يا چهار حرف محدود مي شد قابل درك و اثبات بود.زيرا چهارحرف را مي توان به سادگي از يك طرف چيدوبه يككلمه با معني رسيد.مثلاً اگرمن ازسمت راست شروع به استخراج حرف مستحصله كنم وحروف اولودوم من اينها باشند: ض غ ، نظيره آنها هم ل ن ، خواهند بود. پس تشخيص دو حرف بعدي خيليآسان است. يعني خود بخوددوحرف بعدي استخراج شده واحتياج به اين نيست كه ما ساعتها زحمت كشيده و آنها را به دست بياوريم.زيرا دو حرف كهكنارهم قرارمي گيرند حروف بعد از خود را مشخص مي سازند.در اين مثال دو حرف بعدي **س س** هستند كه وقتي در كنار دو حرف قبلي قرار بگيرند و نظيره شده و صدر و موخر شوند اين كلمه را مي سازند : **آ لان**

مستحصله	ض	غ	س	س
نظيره	ل	ن	ا	ا
جواب	ا	ل	ا	ن

پس در استخراج مستحصله دو حرف مي تواند سرنوشت حروف بعد از خود را نيز مشخص كند.اين نكته خيلي مهم است .

يك نكته خيلي مهم

در اينجا راز مهم ديگري را فاش مي سازم كه به قيمت جان خيلي ها تمام شده است . در صفحه قبل گفتيم كه امكان ندارد حروف مستحصله را از يك سمت استخراج كرد وبه جواب رسيد. اما در اينجا مي خواهم بگويم فقط به دو شرط اين كار امكان پذيراست و آن هم به اين صورت است كه شما تمام تركيبات معني دار حروف از چهار چهار تا مثلا 30 در 30 را بسازيد وحروف سؤال خود را مطابق آن مستحصله سازي كنيد.توضيح اين مطلب بسيار مشكل است اما من سعي مي كنم با ساده ترين كلمات اين راز بزرگ را كه نمي توان براي آن قيمت گذاشت براي شما شرح دهم.

مطلب اين است: فرض كنيد كه شما يك سؤالي طرح مي كنيد كه فقط 7 حرف دارد . مثل اين سؤال : خدا كيست ؟ حال اولين مطلبي كه بايد بدانيد اين است كه پاسخ اين سؤال هم قاعدتا 7 حرف است. پس اگر شما كتاب جفر جامعي در اختيار داشته باشيد كه در هر خانه آن يك تركيب هفت حرفي قرارداشته باشدو شما تمام اين تركيبها را بدانيد، يكي از اين تركيبها جواب سؤال شما مي باشد. حال اگر شماشروع به استخراج حروفمستحصله كنيد،درنهايتحروف شما شبيه به يكي‌ازاين خانه ها خواهد بود. در اين صورت شما با دانستن نصف حروف هم مي توانيد تشخيص بدهيد كه بقيه چه خواهد بود و با اين روش مي توانيد همواره فقط نصف حروف مستحصله را استخراج كنيد.براي روشن شدن موضوع به جدول نگاه كنيد. اين راز يا شرط اوّل است. اما راز دوّم چيست ؟ راز دوّم اين است :

مستحصله	ص	س	ض	ق	ض	س	ي
نظيره	د	ا	ل	ه	ل	ا	خ
جواب	خ	د	ا	ا	ل	ل	ه

اطلاع از حروف مستحصله بعدي به اين صورت امكان دارد كه شما به فرمولي دسترسي داشته باشيد كه بطور حتم و قطع و يقين حروف درست را استخراج كند. در اين صورت شما با ملاحظه نصف حروف استخراج شده مي توانيد با مراجعه به آن كتاب، نصف ديگر را بدون اينكه استخراج كنيددرجاي خود نوشته و با گرفتن نظيره و صدر موخر كردن جواب كاملاً شفافي بدست آوريد.زيرا مشاهده حروف مستحصله اي كه قرار است نظيره شوند خود به ما مي گويد كه عبارت ما چه جمله اي است.امّا اين كار عملاً غير ممكن است. چرا ؟جواب رادر صفحه بعد ملاحظه كنيد.

اين كار به اين دليل غير ممكن است كه عملاً هيچ فرمولي براي استخراج حروف مستحصله وجود ندارد كه به ما بگويد حروف را با چه معيار و ميزاني و قطعاً به حروف ديگر تبديل كنيم.اين مطلب را با يك مثال بسيار ساده روشن مي سازيم.

اگر كسي به شما بگويد كلمه « آباد » را بساز،اما به شرطي كه از حروف « ا – ب » استفاده نكن ، عملاً اين درخواست را غيرممكن كرده است. زيرا نصف اين كلمه با اين دو حرف ساخته مي شود. برعكس اين مثال هم وجود دارد و آن اين است كه اگر شما بخواهيد كلمه آباد را بسازيد، بايد حرف اوّل شما الف باشد، اين قانون است. حال اگر قانوني هم كشف شود كه به ما بگويد كه هر يك از حروف سؤال را چگونه به حروف ديگري تبديل كنيم كه در آخر به فلان كلمه برسيم ، اين هم مي شود قانون و اگر اينگونه باشد ما مي توانيم پاسخ تمام سؤالات دنيا را بدهيم.زيرا براي استخراج حروف مستحصله قانون داريم؛ آن هم قانون درست و براساس اين قانون درست مي توانيم يك برنامه كامپيوتري بسازيم كه تمام تركيبات بامعني فارسي را درخودداشته باشدو وقتيكه سؤال خود را طرح مي كنيم بسته به تعداد حروف سؤال نصف حروف مستحصله را استخراج كرده و نصف ديگر را از همان تركيبات به دست مي آورد. من هميشه گفته ام كه ، اگر چنين اتفاقي روزي بيافتد دنيا به آخر مي رسد. زيرا كه در آن روزهر بچه اي هم قادر خواهد بود پاي كامپيوتر خود بنشيند و درهر ساعت به صدها سوال پاسخ صحيح بدهد. مثلاً از او سؤال كنند : در سال 3000 ميلادي رئيس جمهور امريكا چه كسي است ؟وي به راحتي مي تواند به اين سؤال جواب بدهد. و يا به هر سؤال ديگري كه جزو اسرار است . اين موضوعي نيست كه خالق هستي به راحتي ازآن بگذرد. زيرا در اين صورت فلسفه وجود امام زمان (ع) بي معني خواهد شد و هر كودكي مي تواند ادعاي رهبري و پيشوايي كند.به اين دليل كه يكي از راههاي اثبات امام بودن اعلم بودن است. اعلم به معناي اينكه به هر سؤالي جواب بدهد. همانگونه كه مولي علي مي فرمودند: از من بپرسيد هر چه كه مي خواهيد، قبل از اينكه مرا از دست بدهيد. تنها كسي مي تواند چنين ادعايي كند كه از عالم غيب با خبر باشد و ايشان به اذن خدا از غيب خبر داشتند.

به ادامه مطلب توجه كنيد.

جمع بندي مطالب قبل

تا اينجا از چند راز مهم و حياتي آگاه شديد.

1 - دانستيد كه حروف دوست كدامند و چه نقشي در استخراج حروف مستحصله دارند.
2 - از روش چيدمان حروف و راز آن آگاه شديد.
3 - از دو راز يا شرط مهم براي باخبر بودن از حروف مستحصله آينده آگاه شديد.

حال نوبت آن رسيده كه از يك راز مهم ديگر هم آگاه شويد. و آن راز ، تعيين چگونگي استخراج و چينش حروف مستحصله است.

شرح كامل اين مطلب را در صفحه آينده تقديم شما خواهم كرد. اما در اينجا اين موضوع را از جنبه ديگري بررسي خواهيم كرد.

موضوع اين است كه اگر هم براي مستحصله قانون يا فرمولي بخواهد ابداع شود، اين قانون را شما (شما به معني همه)خواهيدساخت. نه اينكه‌ازقبل چنين چيزي وجود داشته باشد. به عبارت ديگر اين شما هستيد كه تعيين خواهيد كرد كه حروف مستحصله به چه شكلي و محتوايي (نثر يا شعر) استخراج شده و در كنار هم قرار بگيرند.آگاهي از همين راز است كه به جفاران اين قدرت را مي دهد كه روشهاي خود را بسازند.شما هم بعد از آگاهي از اين مطلب مي توانيد بعدها روشهاي خود را ابداع كنيد.

من اين مطالب را باخون دل خوردن كشف كرده و عمر و جواني و سلامتي خودم را برسر آنها نهاده ام، لذا انصاف نيست كه بقيه مفت و مُسَلّم از اين اسرار حقيقي باخبر شوند.شما بايد با جان خودتان از اين مطالب محافظت كنيد.

جفاران قديمي هرگز اين مسائل را براي عام و خاص فاش نمي كردند ، بلكه يكي از شاگردان خاص خود را انتخاب كرده و تنها در آخر عمر براي وي بازگو مي كردند كه با مرگ جفارعلم نابود نشود.

راز سوّم (تعيين چگونگی استخراج وچينش حروف مستحصله)

راز سوّم اين است.حال كه مطالب قبلي را بخوبي فهميديد،نوبتآنرسيدهكه عملاً به شما روش استخراج حروف مستحصله را به صورت درست آموزش دهيم. قبلاً گفتيم كه اين ذهن ناخود آگاه شماست كه از پاسخ تمام سؤالات باخبراست.پس وقتي كه مي خواهيد حروف مستحصله را استخراج كنيد در حقيقت از او مي خواهيد كه اين حروف را در اختيار شما قرار دهد، بنابراين مي توانيد با وي قرار بگذاريد كه اين حروف را در چه قالبي و چگونه به شما برساند.

مثلاً شما مي توانيد از اوّل با خود قرار بگذاريد كه ابتدا مستحصله حرف آخر را استخراج كنيد و سپس حرف اوّل را و يا برعكس و يا اينكه چهار چهار از حروف بشماريد و يا از چپ اينگونه جواب به دست بياوريد : ه ل ل ا د ب ع – بعد برعكس بخوانيد. يا از راست به چپ، اينگونه : ع ب د ا ل ل ه .

در هر صورت اختيار با شماست.حال من فرض مي كنم كه شما با خود قرار مي گذاريد كه حروف را يكي از آخر و يكي از اوّل استخراج كنيد.بعدازاينكه تعيينكرديدكه چگونه مي خواهيدحروف را بچينيد نوبت آن مي رسدكه قراردوّم را با خود بگذاريدوآن اين است كه مي خواهيد از حروف بعد از استخراج نظيره گرفته و صدرمؤخر كنيد

يا اينكه از همان ابتدا حروف بدون نظيره خوانا و به اصلاح ناطق باشند. شكل اوّل به اين صورت است كه اگر شما بخواهيدكلمه «خدا»رااستخراج كنيد.پس بايد ابتدا اين‌حروف را به دست آوريد (ص س ي) وسپس نظيره گرفته و صدر و مؤخر كرده و جواب را در يافت كنيد. در غيراين صورت به جاي اينكه ابتدا حرف « ص » را استخراج كنيد،حرف « د » را استخراج مي كنيد و بقيه حروف را هم بهمين صورت و كلمه « خدا » را مي سازيد.

اين تمام اسرار استخراج مستحصله جفر در تمام روشها مي باشد و هر كس كه اين مطلب را خوب درك كندمي تواند براي خود روشهاي زيادي را بسازد. در يكي با نظيره جواب بگيرد. در ديگري بدون نظيره، در يكي از چپ به راست جواب بگيرد و در ديگري از راست به چپ و الي آخر .

سخن آخر

دراين كتاب ما تمام اسرار مستحصله جفر را به ساده ترين بيان براي شما فاش كرده و چيزي را فروگذار نكرديم.هرچندكه اين علم مانند اقيانوسي است كه انتهايي ندارد، اما اصول كلّي استخراج مستحصله جفر همين مواردي است كه گفته شد و اگر كسي غير از اين مطلبي را عنوان كند بايد در عمل درستي آن را اثبات نمايد.مطالبي را كه بنده در اين دوره تدريس مي كنم حاصل بيش از بيست سال زحمت و تلاش شبانه روزي اينجانب بوده و صحت و درستي آنها از هر جهت براي من ثابت شده است.شما بايد با اعتقاد و ايمان كامل اصول گفته شده را به كار ببنديد تا در عمل نتايج حيرت انگيز آن را ببينيد.ونكته آخر اين است كه تا مي توانيد تمرين كنيد كه هيچ چيز به پاي تجربه نمي رسد.

درکتاب بعدي بطورکاملروش استخراج مستحصله جفر پانزده سطري را توضيح داده و پاسخ سؤال قبلي را نيزبصورت دقيق استخراج کرده و چگونگي استخراج حروف مستحصله آن را شرح داده ايم. همچنين چند روش ديگرازجفرپانزده سطري را به همراه طرح سؤال و استخراج جواب آموزش داده ايم. با مطالعه کتاب سوّم، کار آموزش شما در باره جفرپانزده سطري به پايان رسيده و از اين به بعد بايد با تمرين منظم مهارت و تسلط خود را افزايش دهيد.

هر چقدرکه بيشتر تمرينکنيدذهن شما ورزيده ترگشته و در انتخاب حروف جواب با سرعت و آمادگي بيشتري عمل مي کند.سرانجام روزي مي رسد که فقط با نگاه کردن به حروف سؤال بتوانيد جواب آن را در يابيد؛ انشاء الله

موفق باشيد